

روزنامه شرق	
دipلماسی	
گاه شمار ۳۵ سال تحریر	صفحه ۸
پیگیری قضایی علیه تحریرها مکمل دیپلماسی است	صفحه ۹
روزنامه	صفحه ۱۰

پیشخوان

توافق «ژنو» کتاب شد

دکتر محمدحسن دریایی با تدوین کتلی با عنوان توافق ژنو، تلاش کرده تا به پرسش‌های مطرح‌شده در مورد این توافق پاسخ دهد. او از پژوهشگران و محققان کشور در زمینه خلع سلاح و امنیت‌بین‌المللی است که بیش از ۲۰ سال سابقه تحقیق و کار اجرایی در این حوزه دارد و صاحب کتب و مقالات متعددی در این زمینه است. کسب عنوان پژوهشگر برتر دانشگاه در سال ۱۳۸۷، مشارکت در کنفرانس‌های بین‌المللی علمی به‌عنوان پابلیست و شرکت در بیش از ۶۵جلسه مذاکرات بین‌المللی، از افتخارات اوست. در کتاب حاضر، وی تلاش کرده تا با نگاهی بی‌طرفانه، تصویری همه‌جانبه از مذاکرات هسته‌ای با گروه ۵+۱ ارائه دهد و ابعاد مختلف توافق ژنو را در قالب بررسی نقدهای موجود در زمینه ساختار و روش مذاکره، واکاوی محتوای هسته‌ای برنامه اقدام و کنگاشتی در لغو تحریم‌ها، تبیین کند. این کتاب با هدف گسترش فرهنگ نقد و نقدپذیری در قالب نگاهی مبتنی بر حقایق و نظرات فنی و کارشناسی نگارش شده است.

حق کشورها برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای

در این کتاب بحث پایه‌ای در زمینه حقوق بین‌الملل و انرژی هسته‌ای ارائه و به‌صورت علمی و دانشگاهی، مبنای حق کشورها برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، جنبه‌های مختلف حق هسته‌ای کشورها، رویه‌های بین‌المللی کشورها در این زمینه، رای مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد سلاح‌های هسته‌ای، تلاش‌های غربی‌ها برای محدود کردن حق کشورهای غیرهسته‌ای عضو «ان‌بی‌تی» مورد بحث قرار گرفته است. همچنین مبنای حقوقی حق غنی‌سازی طبق این معاهده و اسناد کنفرانس‌های بازنگری و قرارداد پادمان مورد بحث حقوقی قرار می‌گیرد. یک بحث حقوقی هم در زمینه جنبه‌های امنیتی حق ارایه می‌شود. موضوع اجرای حق و مسایل مرتبط با آن، همچنین میزان اثرگذاری اجرای حق روی حق هم‌مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. همچنین این موضوع مورد کنکاش قرار می‌گیرد که اعمال محدودیت در اجرای حق، روی سلب حق چه اثراتی دارد. وضعیت برنامه اقدام ژنو از نظر حقوقی چگونه است و تعهدات پذیرفته‌شده، چه اثری روی حق غنی‌سازی کشورها دارد.

پاسخ به سوالات منتقدان

در فصل دیگری از این کتاب نیز مبنای نیاز ایران به انرژی هسته‌ای مطرح و نشان داده می‌شود که برنامه هسته‌ای ایران یک برنامه انرژی‌بیان، ناشی از نیازهای عینی کشور است که توسط دولت‌های مختلف به‌عنوان یک نیاز پذیرگی شده است. حتی نوع حکومت نیز در این موضوع تأثیری نداشته به نحوی که برنامه انرژی هسته‌ای ایران در بسیاری از موارد، از قبل از انقلاب آغاز شده است. در ادامه، در تاریخچه مختصری از تلاش‌های کشورمان قبل و بعد از انقلاب اسلامی برای دستیابی به انرژی هسته‌ای ارایه می‌شود. در فصل پنجم این کتاب روند مذاکرات و نتیجه برنامه اقدام ژنو از ارایه می‌شود و به دور از جنجال‌های رسانه‌ای، با درج اسناد یادشده، نگاهی دقیق به ماهیت اصلی مذاکرات و برنامه اقدام ژنو، انداخته می‌شود. در فصل ششم، سوالات و ابهامات موجود در مورد ساختار و روش مذاکره در برنامه اقدام ژنو با ارایه نظرات موافقان و منتقدان، مطرح و مورد بحث قرار گرفته است. در فصل هفتم، واکاوی برنامه اقدام ژنو در زمینه محتوای هسته‌ای و این توافق صورت خواهد گرفت و

نظرات مختلف منتقدان و طرفداران مورد بررسی قرار می‌گیرد. فصل هشتم، کنکاشی در باب چگونگی لغو تحریم‌ها طبق این توافق است که آنجا نیز ضمن بیان نظرات منتقدان و طرفداران، سعی شده زمینه‌ای برای تسهیل فضات خواننده فراهم شود. در فصل نهم هم با دیدی بی‌طرفانه، اثرات بین‌المللی و منطقه‌ای توافق ژنو مورد بررسی قرار گرفته و فصل پایانی نیز به ضللمم مرتبط با برنامه اقدام ژنو اختصاص یافته است. محمدحسن دریایی نویسنده کتاب در گفت‌وگویی هدف اصلی از نگارش کتاب «مذاکره هسته‌ای با ۵+۱، توافق ژنو» را بررسی دقیق و همه‌جانبه ابعاد فنی، حقوقی و سیاسی متن توافق با هدف رفع ابهامات مطرح‌شده در سطح اجتماع اعلام کرده است. او همچنین گفته مطالعات من درباره موضوعات مرتبط با مذاکرات هسته‌ای و مباحث نظری خلع سلاح و عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای به سال‌ها قبل می‌رسد. بیش از دوده است که در این زمینه فعالیت مطالعاتی و میدانی دارم و همواره تلاش کرده‌ام پس از پایان یک مذاکره، درخصوص همان موضوع مذاکراتی، با نگارش مقاله یا تحلیل، نقاط قوت و ضعف روند و نتایج آن را تبیین کنم. اعتقاد دارم این کار باعث می‌شود که نقاطضعف و قوت آسیب‌شناسی و برای مذاکرات بعدی نقاطضعف برطرف و نقاط قوت تقویت شود. تلاش‌های من در این حوزه جدید نیست. معتقدم آسیب‌شناسی مذاکرات بین‌المللی به رشد چشمگیر سطح دیپلماسی کشورمان کمک رسانده است؛ به نحوی که بدون افرای قدرت، چانه‌زنی و مذاکرات دیپلماتیک متخصصان کشور در حوزه امنیت بین‌الملل، از منابع قدرت کشورمان محسوب می‌شود. این حرف من نیست، ادعان رسمی و صریح کشور‌های طرف مذاکره ایران است.

او همچنین در مورد انتقاد رییس‌جمهوری از سکوت دانشگاهیان نسبت به توافق ژنو نیز گفته صافانه بگویم اگر این کتاب به چاپ نمی‌رسیده، انتقاد رییس‌محترم جمهور را نسبت به خودم کلاما وارد می‌دانستم و شخصاً احساس بدی بی‌تفاوتی نسبت به موضوعات مهم مملکتی، آزارم می‌داد. هرچند مراحل تدوین این کتاب، مامه‌اقبل از این انتقاد شروع شده بود، اما خوشحالم که از قبل کارهای مقدماتی را انجام داده بودم و توانستم به‌عنوان یک عضو کوچک جامعه اهل قلم، بخش بسیار کوچکی از دیمم نسبت به مملکت را ادا کرده و شمرتمه مردم و رییس‌جمهور محترم بنایشم. البته امیدوارم همه خوانندگان کتاب در نهایت از تاریخچه حقوقی، فنی کتاب که مبتنی بر اطلاعات کارشناسی است، راضی باشند. به‌نظر من پرونده هسته‌ای مهم‌ترین موضوع ملی است و بنابراین مذاکرات هسته‌ای را نیز یک موضوعی ملی می‌دانم. خوشبختانه اجماع ملی در این خصوص وجود داشته و باید این اجماع را به‌عنوان نقطه قوت حفظ کرد. کتاب «مذاکره هسته‌ای با ۵+۱، توافق ژنو» توسط انتشارات روزنامه‌اطلاعات وارد بازار کتاب کشور شده است.

نگاه

ژئوپلیتیک رفع تحریر



هدف اصلی تحریر که باید آن را جنگی اعلام‌نشده یا جنگی بدون گلوله دانست، تضعیف کشور مورد تحریر است. قاعدتا اعمال تحریر با تأثیرگذاری بر درآمد‌های ملی می‌کوشد تا توان سرمایه‌گذاری بر زیرساخت‌ها را کم کند و از قدرت ملی یک کشور بکاهد. مجموعه تحریرهایی که بعد از انقلاب به‌طور کلی در قالب مسدودکردن پول ایران اعمال شد، با تحریرهای چند سال اخیر به حوزه مالی درآمدهای نفتی هم کشیده شد. به‌الحاظ قدرت ملی و موقعیت منطقه‌ای، ایران در جنوب غرب آسیا قدرتی نفتی شناخته می‌شد. نفت، کارت بازی ایران برای اثرگذاری در معادلات منطقه‌ای و جهانی بود. تسوان اثرگذاری اورژانسی‌تر است، چراکه تأثیرات مثبتش بر منطقه و جهان بیشتر است و این مزیت حل مسئله هسته‌ای است. پاکستان هم مهم است اما تأثیر مثبتی از اقدامات احتمالی‌اش به دست نمی‌آید.

مهم‌ترین موانع روبه‌روی توافق جامع چیست؟

به نظر می‌انکه آمریکا بتواند نشان دهد که برای برداشتن همه تحریرها قانع است. مرحله بعدی قانع کردن ایران به ماندن در سطح غنی‌سازی صلح‌آمیز است. موضوع بعدی رییس‌جمهوری بعدی آمریکا است که تا چه میزان به توافق با تهران متعهد باقی بماند یا اینکه اساسا رویکردش نسبت به حل‌مساله اتمی ایران چه باشد.

کارزارهای سازمان انرژی اتمی قاعدتا باید فصل الخطاب ارزیابی‌هااز برنامه هسته‌ای ایران باشد. گزارش منتشرشده آخر گفته بود که ایران به تعهداتش پایبند بوده است و بازرسی‌ها رضایت‌بخش بوده‌اند. این گزارش‌های فنی چه اهمیتی برای تصمیم‌گیری دارند؟ دوباره می‌شنویم که عده‌ای درصدد رو به وخامت‌بردن پرونده هسته‌ای هستند. طرفداران جنگ و تحریر چه معیاری برای ارزیابی وضعیت فعالیت‌های ایران دارند؟

این گزارش‌ها در مواقع مختلف چیزهای مختلفی گفته بود. در گزارش‌هایی آمده است که آژانس نمی‌تواند اثبات کند که ایران به مواد دوگانه یا آستانه آن دست یافته است. در گزارشی می‌گوید در فلان نقطه بازرسی‌ها به اندازه نبوده است. این شیوه گزارش‌دهی آژانس است. اما عده‌ای از نبود اطلاعات یا همکاری کافی تفاسیر دیگری می‌کنند. در گزارش‌ها معمولا وجوه خیلی مثبت و مثبت با موارد تردیدآمیز همگی کنار هم می‌آیند. بعضی به قسمت‌های مثبت آن و بعضی دیگر به جنبه‌های منفی آن رجاع می‌دهند. گزارش‌ها قاعدتا فنی است اما مساله برسر تفسیر قسمت‌های آن است که بنابر شرایط، جنبه‌هایی از آن بزرگ‌تر و پررنگ‌تر می‌شود.

با به‌عنوان کارشناس خلع‌سلاح فکر می‌کنید برای مقاصد صلح‌آمیز معمولا به چقدر غنی‌سازی نیاز است؟

این سوال خوبی است. طبیعی است که افکارعمومی در ایران از این سوال‌ها داشته باشد. برای ر آکتور تحقیقاتی ایران نیاز به غنی‌سازی دارد و برای این منظور به اندازه کافی تلاش کرده است. اما در عین حال ایران برنامه «تحقیق و پژوهش» هم داشته و دارد و برای آن هم به مقادیری نیاز دارد. برای این منظور راه‌اندازی هزاران سانتریفیوژ نیاز نیست. اما بزرگ‌ترشدن این برنامه غنی‌سازی، دیگر خارج از اهداف صلح‌آمیز و پژوهشی می‌تواند تفسیر شود. ایران هم قصدی برای آن ندارد یعنی نشان داد که ندارد. برای نیروگاه اتمی بوشهر نیز روسیه متعهد به تأمین سوخت است. ایران نیازی به تأمین سوخت بوشهر ندارد، طبق قراردادش با روس‌ها آنها باید سوخت را تأمین کنند. یکی از مسایل نگران‌کننده همین بوده است.

زیادی وارد می‌کنند تا راهی و حتی اگر شده روزانه‌ای برای رابطه تجاری با ایران برایشان باز کند. اما از دولت آمریکا به سبب برخی ملاحظات، همچنان از این امر معذور است و به ناچار برای آرام کردن شرکت‌های آمریکایی، مجبور است اروپا را از این اقدام منع کند تا به اروپا رسانده باشد که «ریق تیمه‌راه نباشند» و این کار را بازرگان نیگه دنیا جلو نزنند. اما شاید دیگر برای این کار درد شده باشد. چراکه اروپاییان تصمیم خود را گرفته‌اند و نشان دادند که بر اساس منافعشان تصمیم می‌گیرند نه بر اساس رفافت. اکنون فتری که نزدیک به هشت‌سال توسط تحریرها فشرده شده بود، با توافق ژنو آزاد شده و شرکت‌ها به‌دنبال رسیدن به بازار تشنه ایران هستند. بازاری که به‌جرات می‌توان گفت بزرگ‌ترین و در صورت وجود کالا، مصرف‌کننده‌ترین بازار خاورمیانه است. یک بازار با این پتانسیل، اگر در کنار جمعیت بالای آن قرار گیرد، مطمئنا همه شرکته‌ها و تجار را به وسوسه می‌اندازد تا هرطور شده، به آن وارد شوند. حال این آزادشن فخر تحریرها به «واشنگتن» نیز رسیده است و شرکت‌های «بوئینگ» و «جنرال الکتریک» آمریکا برای فروش قطعات هواپیما به ایران، از کاخسفید درخواست مجوز کرده‌اند. اقدامی که می‌تواند این پیام را در مقامات کاخسفید بدهد که بهتر است در سیاست‌های خود تجدیدنظر کنند، چراکه کم‌کم حیاط که همان بازار ایران باشد، در حال شلوع‌شدن است و دیگر جایی برای شرکت‌های آمریکایی نخواهد بود.					
---	--	--	--	--	--

وزنی ندارد. کمی از وضعیت منازره‌های درون آمریکا در مورد این موضوع بگوئید، از تلاش اتاق‌های فکری برای ترویج رژیم‌های نظارت بر فعالیت‌های اتمی تا مارش طرفداران جنگ در کنگره.

ببینید در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ فکر می‌کنم تا حدودی دیگر نمی‌شد جلو تصویب تحریر را گرفت. به نظر می‌رسید دولت احمدی‌نژاد تصمیمی برای مذاکره ندارد. دولت احمدی‌نژاد نشانه‌هایی بروز می‌داد که چاره‌ای جز تحریر باقی نماند. سال ۲۰۰۵ هم خود احمدی‌نژاد راضی شده بود. اما گویی اختلاف‌های او با قوه‌مقننه در داخل نمی‌گذاشت پرونده جلو برود. ظاهرا احمدی‌نژاد برای توافق آماده بود اما سایر گروه‌ها حمایت چندانی از اقدامات او نداشتند. از این جهت می‌گویم در آن دوره چاره‌ای جز تحریر نبود که غرب «اراده به مذاکره از سوی ایران» را باور نمی‌کرد. الان هم می‌گویم افزایش تحریرها درست زمانی که ایران مشغول و درستی داشته باشند. در مورد موضوع ایران در آمریکا هیچ گروه متنفذ و لابی‌گری وجود ندارد که بر تصمیم‌های سیاسی تأثیر بگذارد. گروه بزرگ ایرانی‌های لس‌آنجلس هم تأثیر چندانی بر زندگی سیاسی آمریکایی ندارند. اساسا مشارکتی در سیاست آمریکا ندارند. بنابراین تصمیم‌گیری در مورد ایران محدود به سیاستگذاران آمریکایی و تصمیم‌گیران آمریکایی است.

کار شما در آخرین مقاله‌تان گفته بودید اینکه از ایران بخواهیم غنی‌سازی را به صفر برساند، معنی آن هم صفر است یعنی هیچ معنی ندارد، این نظر تا چه میزان در بین کارشناسان خلع‌سلاح پذیرفته شده است. نظر اقلیت نخبگان فنی این حوزه است یا...

به نظرم اکثریتی از کارشناسان مطالعات منع گسترش از این نظر دفاع می‌کنند. چرا؟ سال ۲۰۰۷ من از جمله کسانی بودم که دایما تأکید داشتیم ایران باید غنی‌سازی را به طور کلی کنار بگذارد. اما این نظر کلا اشتباه بود. ایران نشان داد که به هر قیمتی توانمندی غنی‌سازی را حفظ می‌کند. من یکی از واقع‌گرایهای بودم که در یافتن ایران با تحمل همه عواقب به سمت غنی‌سازی می‌روم. بعد به این مرحله رسیدیم که خب حالا ایران تا چه حد غنی کند که نشان دهد به دنبال بمب اتم نیست. به نظر من کارشناسان واقع‌گرا از این نظر دفاع می‌کنند.

کار شما همیشه از ایده «جهان بدون کلاهک هسته‌ای Global Zerol» دفاع کرده‌اید. قرار داد موقت ژنو چه نیستی با این طرح کلی امنیتی جهانی دارد؟
ببینید حل مسالمت‌آمیز و انتها‌ت حل صرف مساله هسته‌ای ایران مرحله مهمی است. این محیط امنیتی به پاسخ مناسب دیپلماتیک نیاز دارد به تلاش‌های دیپلماتیک نیاز دارد و حل پرونده هسته‌ای ایران برای چنین طرح امنیتی جهانی اهمیت دارد. توافق ژنو می‌تواند در آینده با مشارکت ایران، الگو باشد.

سوال بعدی هم در همین رابطه است. در حالی که ایران جز ان بی‌تی است کارشناسانی مثل شما می‌گویند که ایران برای شفافیت بیشتر به سمت امضا و اجرای «پروتکل الحاقی» برود. اما با وجودی که اسرائیل اسما و رسما صاحب بمب‌های هسته‌ای است حتی دعوت به امضای ان بی‌تی هم نمی‌شود. البته می‌دانم که ان بی‌تی معاهده بازی برای امضاست و کشورها الزامی برای امضای آن ندارند. صرف نظر از اینکه هیچ اجباری برای پیوستن به آن نیست، هیچ دعوتی هم از اسرائیل به عمل نمی‌آید.

سوال خوبی است. دلایل زیادی هست. از همه مهم‌تر اینکه باید به فکر برگزاری کنفرانس بین‌المللی برای پرداختن به چگونگی ایجاد منطقه عازری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه بود. این تلاش می‌تواند اسرائیل را هم درگیر کند او را متعهد به پیوستن به چنین تعهدی بکند. اما پاسخ مستقیم سوال شما آمریکا با اسرائیل روابط خاصی دارد، نوعی استاندارد دوگانه در مورد اسرائیل وجود دارد. مساله بعدی این است که اسرائیل از موضوع عدم‌شناسایی توسط همسایگانش استفاده می‌کند

ایران در کمیته روابط خارجی سنای اریه می‌دهد. در این نطق به سناتور‌ها یادآوری می‌کند، به کشوری که پارک و فضاهای عمومی‌اش را هر روز آب و جارو می‌کند، نمی‌شود حمله کرد. تلاش «پروکوویچ» این بود که به حلقه بوش تفهیم کند حمله نظامی به ایران کارساز نیست و تنها اتمی شدن آن را به تعویق می‌اندازد. در طول این سال‌ها او با واقع‌گرایی رایج در مراکز مطالعاتی آمریکا، همچنان بر ایده بازرسی، کنترل‌های فنی و تکنیکی پافشاری می‌کند و تنها راه حل پرونده هسته‌ای ایران را همانند بسنجاری از همتایان اروپایی‌اش افزایش بازرسی‌ها و پایبندی به ان بی‌تی می‌داند.

کار برای شروع بحث از توافنامه موقت ژنو شروع کنیم، ارزیابی کلی‌تان از این توافق چیست؟ عده‌ای در غرب، آن را قرار دادی تاریخی و عده‌ای هم در منطقه خاورمیانه مثل بنیامین نتانیاهو، آن را شکست تاریخی توصیف کرده‌اند، این نظر سیاستمدار هاست، شما به عنوان کارشناس خلع‌سلاح چه فکر می‌کنید؟
بدون شک توافق ژنو گام رو به جلویی است و به همین دلیل در اهمیت آن تردید نکنید. این توافق دست‌کم دونتیجه کوتاهمدت داشته است. بحران هسته‌ای را حل کرده است. این موضوع دیگر مشکل بحرانی ندارد و دیگر اینکه بازگروی همانند ایران را به نظام بین‌المللی بر گردانده است. اینکه بعضی مثل نتانیاهو، چنین نظری دارند، جواب ساده‌ای دارد. با این توافق، دست‌کم می‌دانیم که ایران به‌دنبال سلاح اتمی نیست. به‌دنبال چنین اعتمادسازی، بهبود روابط حاصل می‌شود، این همان چیزی است که اسرائیل نمی‌خواهد. البته در این مرحله، هنوز هیچ‌یک از ما نمی‌دانیم که این قرارداد موقت به سرانجام می‌رسد یا نه. می‌توان در مورد به نتیجه‌رسیدن آن منتظر بود و حتی بحث کرد اما اینکه این یک شکست تاریخی است را باید کلا کنار گذاشت. در مجموع باید گفت موفقیت بزرگ و بااهمیتی بود. **کار شما در نوشته‌های اخیرتان کمی تغییر موضع داده‌اید. پیش‌تر صحبت از بازدارندگی ایران تحت هر شرایطی بود اما در آخرین نوشته‌تان در قافارین افزرا؟ نوشته‌اید که دلایل بسیاری وجود دارد که ایران به دنبال بمب اتم نیست. این دلایل شما از چه زمانی و چگونه برای شما روشن شدند؟**

قبل از هر چیز بگویم ایران کشوری نیست که در موقعیتی قرار داشته باشد که با بمب اتم بخواهد شرایط خود را تغییر دهد یا اقدام به تهدید کند. تهدیدی در این سطح اصلا متوجه ایران نیست که این کشور به دنبال امنیت‌سازی با بمب اتم برود مگر فقط قصد بمب اتم بتواند چنین تهدیدی را در این سطح برای این کشور درست کند. ایران تهدید سرزمینی ندارد که اساس کشور را نشانه برود و بخواهد برای دفاع از آن به سمت بمب اتم برود. دلیل دوم این است که اگر ایران بخواهد به چنین سمتی برود، رهبران همسایه ایران ساکت نمی‌نشینند و شروع به جستجو برای دستیابی به این بمب می‌کنند. چنین معادله‌ای کلا در همسایگی ایران ناشمی به وجود می‌آورد. حتی ممکن است همسایگان برای اینکه امنیت بیشتری داشته باشند بیشتر به آمریکا تکیه کنند این هم برای ایران گزینه مطلوبی نیست. چنین محیط امنیتی برای ایران به‌مراتب بدتر از وضعی است که امروز در خاورمیانه حکمفرماست. سوم اینکه برای کشورها مهم این است که چه کسی کنترل بمب اتم را در دست داشته باشد و اساسا این خود می‌تواند به بحران سیاسی داخلی منجر شود. در مجموع دستیابی به بمب اتم برای بسیاری از کشورها مثل ایران معادل برقراری امنیت تعریف نمی‌شود. به نظر من، ایران هم، چنین نگاهی به بمب اتم دارد. آنرا نیز بیشتر عامل ناشمی می‌داند تا امنیت‌ساز. البته این دیدگاهی واقع‌گرایانه است.

کار شما از چهره‌های برجسته در میان مشاوران سیاستمداران آمریکایی در حوزه خلع‌سلاح هسته‌ای هستید. همیشه با گزینه نظامی و تحریر مخالفت کردید، اما عده‌ای شما اخیرا در دولت «اوباما» شنیده می‌شود و در کنگره هم

حکایت این روزهای آمریکا و شرکت‌های تجاری‌اش که شاهد حضور هیات‌های اقتصادی اروپایی در ایران هستند، مانند معلم سنگدلی است که بیش از نیم					
--	--	--	--	--	--

از دانش‌آموزان کلاسش در حیاط مدرسه در حال تفریح و شادی هستند، اما تعدادی از دانش‌آموزان را به دلیل خودخواهی خود در کلاس حبس کرده و آنها تنها از پنجره شاهد شادی و بازی همکلاسی‌های خود هستند. دانش‌آموزان زندانی در کلاس نیز مدام بهانه‌جویی کرده و معلم را به ستوه می‌آورند و در نتیجه تنها باعث می‌شوند تا معلم عصبانیت خود را بر سر دانش‌آموزان حاضر در حیاط خالی کند و آنها را به داخل کلاس فراخواند. حال شرکت‌های اروپایی شده‌اند همان دانش‌آموزان مشغول بازی در حیاط و شرکت‌های آمریکایی هم همان دانش‌آموزان حبس‌شده در کلاس هستند و توسط معلمشان که همان دولت آمریکا باشد، از بازی و شادی در حیاط منع شده‌اند. چندی پیش که شرکت‌های فرانسوی در قالب هیأت تجاری ۵۰ نفره، عازم تهران شدند صدای شادی آنها در واشنگتن شنیده شد. این امر باعث شد تا مقامات ارشد آمریکایی همگی به نوبت، نسبت به برقراری رابطه تجاری با ایران هتدلر بدهند. «جان



حکایت این روزهای آمریکا و شرکت‌های تجاری‌اش که شاهد حضور هیات‌های اقتصادی اروپایی در ایران هستند، مانند معلم سنگدلی است که بیش از نیم					
--	--	--	--	--	--

شرکت‌های آمریکایی در انتظار بازار ایران

کری»، وزیرخارجه آمریکا با همتای فرانسوی‌اش تلفنی صحبت و گلابه کرد. «باراک اوباما»، رییس‌جمهوری آمریکا پس از دیدار با «فرانسوا اولاند»، مرد اول کاخ الیزه، بر‌خورد بانقض‌کنندگان تحریرهای ایران از سوی آمریکا را به «آوارشدن کت‌ن آجر روی سرشان» تشبیه کرد. بسیاری، این اقدامات مقامات آمریکایی را به حساب دشمنی آنها با ایران می‌گذارند، اما درواقع این تهدیدها و هشدارها از آنجا نشأت می‌گیرد که پس از اتفاقات سفارت آمریکا در تهران، نزدیک به ۲۵سال است که واشنگتن ایران را در فهرست تحریرهای تجاری خود قرار داده است. بنابراین شرکت‌های آمریکایی از نعمتی به نام بازار ایران بی‌بهره‌اند. حال با بهبود روابط ایران و غرب و کاهش تنش میان ایران و آمریکا شرکت‌های آمریکایی از دولت این کشور انتظار دارند تا اجازه دهد که آنها هم به جمع خرسندان از توفیق ژنو بپیوندند. آنها که در آمریکا از قدرت و لابی مناسبی (نه در اندازه لابی اسرائیل و اعراب) برخوردارند، به این منظور به دولت این کشور فشارهای

